

نظریه‌های امامت شیعی در دوران نخستین^۱

تحقیقات و گزارش‌های بسیاری از اندیشه نگاران، به راستی نشان می‌دهد که نزاع بر سر جانشینی پیامبر گرامی اسلام ﷺ از نخستین مباحث کلامی میان مسلمانان بوده است که پس از آن حضرت ﷺ، میان امت رواج یافت. چگونگی مواجهه جریان‌های مختلف اجتماعی و اعتقادی آن دوران در این موضوع، در جای خود قابل بررسی و تأمل است؛ با اینهمه می‌توان گفت: بسیاری از رفتارهای امت اسلامی بعد از رسول خدا ﷺ باز بسته تلقی‌های مختلفی بود که از آموزه امامت در جامعه رواج گرفت. امامت، میان شیعیان چونان استمرار نبوت نگریسته می‌شد؛ اعتقادی که خاستگاهی درون‌متنی داشت و جزو تعالیم و آموزه‌های دینی اسلام قلمداد می‌شد. از همین رو، امامت در نگاه شیعیان نه صرفاً به عنوان یک نظریه سیاسی، بلکه به عنوان دیدگاهی کلامی و یکی از اصول اعتقادی مطرح گردید؛ و البته مخالفت‌های فراوانی را نیز برانگیخت.

اما در مقابل، دیگر گروه‌های اسلامی از آغاز، نگاهی سیاسی نظامی به آموزه امامت داشتند و آن را به مثابه قدرت سیاسی در جامعه تلقی می‌کردند. شاید از همین رو، این آموزه در گفتمان جریان‌های سنی با واژگان «خلافت» یا «أولی الأمر» (به معنای کسی که تولی امر و اداره امت می‌کند)، یاد می‌شود. در تلقی این دسته از جامعه اسلامی، شیوه‌های به دست‌گیری امر امامت نیز، متفاوت انگاشته می‌شد؛ چرا که امامت جزء مصالح امت دانسته می‌شد که اختیارش هم با امت است.

۱. با تشکر از حجت الاسلام والمسلمین اکبر اقام کرپاسی که در مدیریت علمی این پرونده، فصلنامه را یاری نمود.

باورهای گروه‌های مختلف اسلامی در مسأله امامت هرآنچه که بود، در اواخر قرن اول با چالش‌های جدید مواجه شد؛ دورانی که مباحث سیاسی و قدرت‌های نظامی استقرار پیدا کرده بود و دستاوردهای عملی مباحث - که تا این دوران از گفتگوهای کلامی انتظار می‌رفت - سامانه‌ای اعتقادی و نظری برای خویش رقم زد و جریان‌های مختلف را به این سوهدایت نمود که باورها و معتقدات دینی خویش را نه تنها در مسأله امامت، که در دیگر مباحث اعتقادی هم تئوریزه و ایده پردازی کرده و در قالب «نظریه» به جامعه ارایه نمایند. اینگونه است که مادر تاریخ اسلام میان شیعیان و اهل سنت با مجموعه‌ای از تئوری‌های امامت مواجهیم. نظریه لزوم جماعت یا تئوری غلبه، نظریه امامت عادل یا افضل، و تئوری امامت مفضول از بارزترین ایده‌هایی است که میان اهل سنت رخ نمایند. میان شیعه اما، به غیر از «امامت باطنی» و «امام جهادگر» که دو نظریه گروه‌های اسماعیلی و زیدی بود، نظریه «خلافت الهی» نظریه اصلی امامیه بود که ریشه در قرآن و روایات داشت.

این دفتر از فصلنامه امامت پژوهی در گام نخست کوشیده است تصویری کلان از نظریه‌های امامت میان گروه شیعیان ترسیم نماید. مقاله انگاره امامت از دیدگاه اندیشمندان نخستین امامیه در مدرسه کوفه، تلاش نموده تا تلقی و نظریه متکلمان از اصحاب را به روش تحلیل تاریخی بکاود و مهم‌ترین مولفه‌های امامت را از دیدگاه ایشان به خواننده عرضه کند. دو مقاله امامت زیدیه و تئوری امامت اسماعیلیان نظریه‌های امامت را میان این دو گروه شناسانده است. در مقاله‌ای نیز به طور مستقل تلقی زید بن علی بن الحسین علیه السلام نسبت به امامت بازخوانی شده است.

در مصاحبه با استاد سبحانی به اجمال تمام چهار نظریه اصلی در طول تاریخ فکر امامیه گزارش شده‌اند، تئوری متکلمان، محدثان، فلاسفه و عرفا. از ویژگی‌های این گفتگو، نگاه و تحلیل تاریخی آن است که همواره از سوی استاد مد نظر بوده است. در این پرونده، از نظریه‌های فلاسفه و عرفا، همچنین نظریه‌های جدید سخنی به میان نیامده و در مجموعه‌ای دیگر ارائه خواهد گردید. همچنین نظریه‌های جریان‌های سنی نیز از آن روکه نقاط قوت تئوری شیعه در قبال آنان دانسته می‌شود، در دفتر دیگری ارائه خواهد شد.